

ارمیا ایش 15

- 10** وای بر من که تو ای مادرم مرا مرد جنگجو و نزاع‌کننده‌ای برای تمامی جهان زبیدی. نه به ربوا دادم و نه به ربوا گرفتم. معه‌ذا هر يك از ایشان مرا لعنت می‌کنند.
- 15** ای خداوند، تو این را می‌دانی پس مرا بباد آورده، از من تقفد نما و انتقام مرا از ستمکارانم بگیر و به دیر غضبی خویش مرا تلف منما و بدان که به خاطر تو رسوایی را کشیده‌ام.
- 16** سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو شادی و ابتهاج دل من گردید. زیرا که به نام تو ای پهوه خدای صباپوت نامیده شده‌ام.
- 17** در مجلس عشرت‌کنندگان ننشستم و شادی ننمودم. به سبب دست تو به تنهایی نشستم زیرا که مرا از خشم مملو ساختی.
- 18** درد من چرا دایمی است و جراحت من چرا مهلك و علاج‌ناپذیر می‌باشد؟ آیا تو برای من مثل چشمه فریبنده و آب ناپایدار خواهی شد؟
- 19** بنابراین خداوند چنین می‌گوید: «اگر بازگشت نمایی من بار دیگر تو را به حضور خود قایم خواهم ساخت و اگر نفایس را از رذایل بیرون کنی، آنگاه تو مثل دهان من خواهی بود و ایشان نزد تو خواهند برگشت و تو نزد ایشان بازگشت نخواهی نمود.
- 20** و من تو را برای این قوم دیوار برنجین حصاردار خواهم ساخت و با تو جنگ خواهند نمود، اما بر تو غالب نخواهند آمد زیرا خداوند می‌گوید: من برای نجات دادن و رهانیدن تو با تو هستم.
- 21** و تو را از دست شریران خواهم رهانید و تو را از کف ستمکیشان فدیة خواهم نمود.»

مکاشفه ایش 3

- 14** و به فرشته کلیسای در لائودکیه بنویس که این را می‌گوید آمین و شاهد آمین و صدیق که ابتدای خلقت خداست.
- 15** اعمال تو را می‌دانم که نه سرد و نه گرم هستی. کاشکه سرد بودی یا گرم.
- 16** لهذا چون فاتر هستی، یعنی نه گرم و نه سرد، تو را از دهان خود قی خواهم کرد.
- 17** زیرا می‌گویی دولت‌مند هستم و دولت اندوخته‌ام و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمی‌دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان.
- 18** تو را نصیحت می‌کنم که زر مصفای به آتش را از من بخری تا دولت‌مند شوی، و رخت سفید را تا پوشانیده شوی و ننگ عریانی تو ظاهر نشود، و سرمه را تا به چشمان خود کشیده بینیابی.
- 19** هر که را من دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌نمایم. پس غیور شو و توبه نما.
- 20** اینک، بر در ایستاده می‌گویم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من.
- 21** آنکه غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنانکه من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم.
- 22** هر که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

لوقا ایش 14

- 25** و هنگامی که جمعی کثیر همراه او می‌رفتند، روی گردانیده بدیشان گفت،
- 26** اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران، حتی جان خود را نیز دشمن ندارد، شاگرد من نمی‌تواند بود.
- 27** و هر که صلیب خود را بر ندارد و از عقب من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من گردد.
- 28** زیرا کیست از شما که قصد بنای برجی داشته باشد و اول نشیند تا بر آورد خرج آن را بکند که آیا قوت تمام کردن آن دارد یا نه؟
- 29** که مبدا چون بنیادش نهاد و قادر بر تمام کردنش نشد، هر که ببند تمسخرکنان گوید،
- 30** این شخص عمارتی شروع کرده، نتوانست به انجامش رساند.
- 31** یا کدام پادشاه است که برای مقاتله با پادشاه دیگر برود، جز اینکه اول نشسته تأمل نماید که آیا با ده هزار سپاه،

قدرت مقاومت کسی را دارد که با بیست هزار لشکر بر وی می‌آید؟

**32** والا چون او هنوز دور است، ایلچییای فرستاده، شروط صلح را از او درخواست کند.

**33** پس همچنین هر یکی از شما که تمام مایملک خود را ترک نکند، نمی‌تواند شاگرد من شود.

**34** نمک نیکو است ولی هرگاه نمک فاسد شد، به چه چیز اصلاح پذیرد؟

**35** نه برای زمین مصرفی دارد و نه برای مزبله، بلکه بیرونش می‌ریزند. آنکه گوش شنوا دارد بشنود.